



املا تلفیقی شماره ۲۵

با نام و یاد پروردگار نیکی‌ها

گاهی هنگامی که به طبیعت و روابط بین موجودات زنده نگاه می‌کنم، از خودم به عنوان یک انسان خجالت می‌کشم. در طبیعت، همه‌ی موجودات در کنار هم و در یک تعادل بی‌نقص زندگی می‌کنند. هیچ حیوانی، بی‌دلیل و از روی حرص و طمع موجود دیگری را نمی‌درد، حتی بعضی از گونه‌ها یکدیگر را یاری می‌رسانند؛ مثل مورچه و شته. در این رابطه که ما آن را همیاری می‌نامیم، مورچه‌ها همانند محافظ‌های شخصی از شته‌ها در برابر حمله‌ی سایر حشرات محافظت می‌کنند و در عوض شته‌ها نیز از بدنشان شیره‌ی بسیار مقوی برای تغذیه‌ی مورچه‌ها ترشح می‌کنند. بعضی گونه‌ها حتی بسیار بخشنده‌تر عمل می‌کنند و بخشی از غذای خود را در اختیار سایرین قرار می‌دهند. به طور مثال شیرها نه تنها بیش از نیاز خود شکار نمی‌کنند بلکه بعد از سیر شدن، لاشه‌ی شکارشان را در اختیار موجودات دیگری همچون شغال‌ها و کرکس‌ها قرار می‌دهند. که ما اصطلاحاً به این رابطه همسفرگی می‌گوییم.

از این مثال‌ها در طبیعت فراوان یافت می‌شود. اما وقتی به تاریخ بشر می‌نگریم، چه بسیار ظلم‌ها که به یکدیگر روا نداشته‌ایم، چه بسیار جنگ‌ها و خونریزی‌ها که بر سر کشورگشایی‌ها برپا نکرده‌ایم و چه اعمال خشونت‌آمیزی که به دلیل قدرت‌طلبی و زیاده‌خواهی در تاریخ ثبت نشده‌اند. اعمالی همچون برده‌داری و برده‌فروشی، استفاده از کودکان بی‌پناه به عنوان نیروی کار و یا چپاول و غارت سرزمین‌های مردمانی که فقط به جرم پیشرفته نبودن و یا به بهانه‌ی متمدن ساختنشان مورد ظلم و ستم استعمارگران واقع شده‌اند و همچنین چه جنگ‌ها و خشونت‌هایی که به دلیل اختلافات مذهبی و اعتقادی به راه نیفتاده‌اند.

امیدوارم روزی برسد که ما انسان‌های به اصطلاح اشرف مخلوقات، سعی کنیم بیشتر شبیه مخلوقات دیگر رفتار کنیم؛ بدون تعصب و بدور از هرگونه نژادپرستی و یا حرص و طمع با یکدیگر ارتباط بگیریم و در کنار انسان‌های دیگر، طبیعت و تمام موجودات زنده با صلح و آرامش زندگی کنیم.